

Analyzing the Legitimacy of Renting Money

Ahmad Ali Ghaneh*

Received: 15/01/2018

Accepted: 04/08/2018

Abstract

The loan Riba and transaction Riba are forbidden transactions and renting the soul and objects includes in halal deals. Does renting money with keeping all of the tenancy and its terms is an example of loan and Riba or includes in renting objects?

This research, while paying attention to the nature of money and its function, as well as taking into account the pillars and rulings of Riba loans and leases, claims that renting Money is as legitimate as renting a home or a car. And due to the difference in rental sentences and the risk taking of the Lender over borrowing in hypothesis and routine issues. What as a tenant's rent lending to a borrower is in the same way or in this kind of bondage is in contract. And this kind of rebuke is in other contracts such as Mudarabah, Musqaqat, Muzra'a, and Company. It is considered to be paid in excess of the debt of Rabavi as "Ribh Mala Yuzman" and the lender in addition, does not take any kind of risk to the capital, there is not a clear reason for forbidding renting money. The absence of a problem in ancient jurisprudential texts does not mean a ruling or a fatwa opposed to jurists regarding this issue. Since the principle or the same thing is defined by itself and becomes meaning. The condition of survival with the benefit of it At Lease Pay Money And the probability that renting a trick is to borrow, despite the profound differences between these two, are eliminated.

Keywords

Rent, Money, Riba, Debt, Ribh Mayuzman, Ribh Malayuzman, Survival.

JEL Classification: G10, H54.

* Associate Professor, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. ghaneh@isu.ac.ir

بررسی مشروعیت اجاره پول

احمدعلی قانع*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۱
مقاله برای اصلاح به مدت ۳۰ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

چکیده

ربای قرضی و معاملی از جمله معاملات حرام به‌شمار می‌روند و اجاره نفس و شیء از جمله معاملات حلال. آیا اجاره پول با حفظ همه ارکان اجاره و احکام آن، مصداق قرض و ربا است یا زیرمجموعه اجاره اشیاء؟

پژوهش حاضر ضمن توجه به ماهیت پول و کارکرد آن و نیز با در نظر گرفتن ارکان و احکام ربا و قرض و اجاره، مدعی است اجاره پول همانند اجاره یک خانه یا ماشین امکان دارد و مشروع می‌باشد و با توجه به تفاوت احکام اجاره و ریسک‌پذیری موجر نسبت به عین یا مال‌الاجاره (و عدم ریسک‌پذیری قرض‌دهنده نسبت به قرض در مبحث قرض و ربا) آنچه به‌عنوان اجرت از مستأجر به موجر پرداخت می‌شود «ریح مایضمن» به‌شمار می‌رود و این نوع ربح در عقود دیگر مثل مضاربه، مساقات، مزارعه، شرکت و... نیز وجود دارد. آنچه در قرض ربوی به‌عنوان زیاده پرداخت می‌شود «ریح مالایضمن» به‌شمار رفته و قرض‌دهنده علاوه‌بر اینکه هیچ‌نوع ریسک و خطری را نسبت به سرمایه نمی‌پذیرد، اضافه دریافت می‌کند. دلیل روشنی برای حرام دانستن اجاره پول وجود ندارد و عدم طرح مسأله در کتب فقهی قدیم به‌معنای حکم یا فتوای مخالف فقیهان نسبت به این مسأله نیست. از آنجا که اصل یا عین هرچیز به حسب خودش تعریف می‌شود و معنا پیدا می‌کند «شرط بقاء عین با انتفاع از آن» در اجاره پول رعایت می‌شود و احتمال اینکه اجاره پول حيله‌ای برای قرض و ربا باشد، با وجود تفاوت ماهوی این دو، متفی می‌گردد و چه‌بسا بتوان اینکار را مصداق «نعم الفرار من الحرام الی الحلال» دانست.

واژگان کلیدی

اجاره، پول، ربا، قرض، ربح مایضمن، ربح مالایضمن، حيله ربا، بقای عین.

طبقه‌بندی JEL: G10, H54.

* دانشیار دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران

مقدمه

دین مبین اسلام از ابتدای ظهور مبارکش عقد اجاره را از عقود شرعی و حلال برشمرد و آن را با ضوابطی معین امضاء نمود. ضوابطی که دین اسلام برای این عقد خاص معین کرد از طرفی و کارکردهای بسیار زیاد این عقد در جامعه از طرف دیگر، فقها را بر آن داشت تا به ماهیت‌شناسی و موضوع‌شناسی عقد اجاره توجه ویژه‌ای داشته باشند. بدیهی است پول به‌عنوان پدیده‌ای بسیار مهم و نوظهور و مسأله‌آفرین در اقتصاد جهان مدرن، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات لازم برای بررسی در فقه مطرح شود. یکی از مسائلی که امروزه در نظام اقتصادی مدرن مطرح است بحث «اجاره پول» است. تعدادی از کشورهای توسعه‌یافته اجاره پول را به‌عنوان یکی از طرق رونق‌بخشی اقتصادی پذیرفته‌اند و در نظام اقتصادی و حقوقی خود برای آن قوانین مخصوص وضع کرده‌اند. از آنجایی که از طرفی قوانین نظام جمهوری اسلامی ایران باید با فقه امامیه منطبق باشد و از طرف دیگر هنوز هیچ بررسی و تحقیق شایسته‌ای برای شفاف‌سازی فقهی «اجاره پول» در مجامع علمی صورت نگرفته است. در نتیجه بحث اجاره پول تا به حال در نظام اقتصادی (به‌خصوص بانکی) کشور مطرح نشده است.

پیش از این بحث وقف پول به‌عنوان یکی از مسائل مهم مطرح شده بود و تحقیقات خوب فقهی، حقوقی و اقتصادی نیز در این باره صورت گرفت لکن در مورد اجاره پول متأسفانه هنوز ادبیات آن هم به‌صورت شایسته در جامعه علمی کشور صورت نگرفته است که با توجه به فوایدی که این عقد (در صورت امکان فقهی) می‌تواند برای جامعه داشته باشد، اهمیت بررسی آن را بیشتر هویدا می‌کند.

روش تحقیق توصیفی تحلیلی و شیوه گردآوری مطلب کتابخانه‌ای است و البته سعی داریم از شیوه اجتهادی فقهاء، همانند بهره‌گیری دانشجو از محضر آن اساتید بزرگوار، استفاده ببریم و درس پس دهیم.

۱. کلیاتی پیرامون ماهیت پول

ماهیت پول، در عین سادگی بسیار پر رمز و راز و پیچیده است. هنوز ماهیت پول‌های امروزی در ابهام وجود دارد و یک نظر جامع و کامل در مورد آن وجود ندارد و

اختلاف نظر اهل علم در مورد آن مؤید این حرف است. نگارنده این مقاله با توجه به مراجعاتی که به کتب و منابع مربوطه داشته، به این نتیجه رسیده است که اصلی‌ترین محل بحث در مقاله پیش‌رو برای فهم حکم اجاره پول، روشن شدن ماهیت پول است. در مورد عقد اجاره ارکان و شروط آن میان نظرات فقهای امامیه چندان اختلافی نیست، اما در مورد ماهیت پول ابهامات زیادی وجود دارد. بررسی تاریخی پول در این مقاله ضرورتی ندارد اما باید گفت پس از مبادلات کالا به کالا نوبت به پول‌های فلزی، طلا و نقره رسید. با سیر پیشرفت بشر و رخ دادن انقلاب صنعتی که باعث افزایش شتابنده تولید بر مصرف خانوارها و بنگاه‌ها گردید، حتی بسیاری از کشورهای صنعتی نیاز به بازارهایی در خارج از کشور خود پیدا کردند. به زبان ساده یعنی رشد نرخ تولیدات کالاها و خدمات قابل مبادله، به مقدار قابل توجهی نسبت به رشد نرخ استخراج و عرضه پول بیشتر بود. از طرف دیگر، برای جلوگیری از رکود، اقتصاد به وسیله مبادله بیشتری نیاز داشت، و این در حالی بود که پول‌های فلزی برای حجم مبادلات آن زمان کفایت نمی‌کرد.

مطلب بالا در کنار سایر معایب و نارسایی‌های نظام پول فلزی، موجب گردید که انسان در فکر معادل همگانی دیگری به جای طلا و نقره باشد، به طوری که معایب آن را نداشته باشد و در عین حال، انتظارات مردم را برآورده سازد. مردم انتظار داشتند که این جایگزین، علاوه بر اینکه باعث تسهیل مبادلات آنان شود، تغییری عمده در دارایی آنها ایجاد نکند، به مرور دریافتند که چنین چیزی پول کاغذی و اسکناس است که با چاپ کردن چند صفر زیادتر یا کمتر در مبلغ اسکناس، ارزش این وسیله سبک و قابل حمل با حجم کوچک خود، زیاد یا کم می‌شود. با استفاده از اعشار می‌توان آن را به هر مقداری که بخواهیم تقسیم کنیم. با یک گراور دقیق ارزش پول را می‌توان به سهولت قابل تشخیص ساخت و آن را از تقلب در امان داشت (ساموئلسن، ۱۳۶۸، ج ۱، ص. ۱۹). از نظر تاریخی تشخیص اینکه از چه زمانی پول کاغذی وارد مبادلات شد، مشکل است اما از منابع تاریخی برمی‌آید که مسلمانان در تأسیس مؤسسات پولی و به‌کارگیری شکل‌های اولیه پول کاغذی پیشگام بوده‌اند (قدیری اصلی، ۱۳۷۹، ص. ۴۹).

در صدر اسلام دو نوع پول در عرض هم در مبادلات مورد استفاده قرار می‌گرفت: درهم و دینار. در حالی که هیچ‌گونه رابطه قیمتی قانونی مشخصی بین آن دو وجود نداشت. رابطه‌ی قیمتی درهم و دینار در زمان رسول‌الله(ص) یک به ۱۰ بود. یعنی هر دینار در مقابل ۱۰ درهم معامله می‌شد (صالحی‌مازندرانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص. ۹۶) در حالی که در زمان عمر یک دینار به ۱۲ درهم معامله می‌گردید. این رابطه همچنان متغیر بود. به طوری که یک دینار به ۱۳ درهم، ۱۵ درهم و حتی ۲۵ درهم و گاهی حتی ۳۵ درهم نیز معامله می‌شد (صالحی‌مازندرانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص. ۹۶) و در حال حاضر با توجه به قیمت طلا و نقره در بازار این نسبت به یک نسبت پایاپای رسیده است.

۱-۱. آیا پول مالیت دارد؟

یکی از بحث‌های بسیار مهمی که در فهم ماهیت پول حتماً باید به آن پرداخته شود، بحث مالیت پول است. به خصوص در مقاله حاضر (بحث اجاره پول) باید بفهمیم پدیده‌ای به نام پول که امروز با آن مواجه هستیم آیا «مال» است و یا نه و آیا احکام مال را می‌توانیم به آن تعمیم دهیم؟

از جمع نظر واژه‌شناسان برمی‌آید: «مال هر آن چیزی است که در نظر عرف دارای ارزش مبادله باشد». «مال در اصل عبارت است از طلا و نقره‌ای که به تملیک درآید سپس بر اعیان خارجی که به دست می‌آید و تحت تملک قرار می‌گیرد، مال گفته می‌شود» (طریحی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص. ۴۷۵).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان پول را دارای مالیت دانست و بر آن مال اطلاق کرد. نظریه اقتصاددان‌های دنیا نیز علی‌رغم اختلاف‌هایی که در تعابیر خود نسبت به مال دارند، تفاوت ماهوی با آنچه بیان شد ندارد. مثلاً مارکس می‌نویسد: «مال عبارت است از هر شیء که دارای ارزش مبادله ناشی از کارمصرف شده روی آن شیء می‌باشد». و مارشال^۱ می‌نویسد: «مال هر آن شیء است که علاوه بر دارا بودن فایده و مطلوبیت برای عرف و عقلاء دارای صفت کمیابی نسبی نیز می‌باشد» (قدیری‌اصل، ۱۳۷۱، ص. ۹۶).

حقوقدانان نیز تعاریفی نزدیک به آنچه گفته شد ارائه داده‌اند: «مال عبارت است از هر چیزی که انسان می‌تواند با آن استفاده کند و قابل تملک هم باشد». (مصطفی عدل، ۱۳۷۰، ص. ۲۶) و مال در اصطلاح چیزی است که ارزش اقتصادی داشته و قابل تقویم به پول باشد (لنگرودی، ۱۳۷۴، ص. ۵۹۵).

محقق ایروانی (ره) در حاشیه خود بر مکاسب شیخ انصاری (ره) می‌نویسد: «ظاهراً اشکالی ندارد که در تحقق مفهوم مال دو امر را معتبر بدانیم.

۱. مردم در امر دنیا و آخرت خود به آن شیء نیاز داشته باشند.
۲. آن شیء بدون تلاش و کوشش برای افراد قابل دسترسی نباشد» (یوسفی، ۱۳۷۷، ص. ۱۳۲).

شهید مطهری نیز برای اینکه یک شیء مال باشد سه شرط ذکر کرده است، که عبارتند از:

۱. شیء مورد حاجت باشد.
۲. وافر و رایگان نباشد، مثل نور و هوا.
۳. قابل اختصاص باشد.

اگر چیزی که افراد نتوانند آن را به خود اختصاص دهند - از اختیار افراد خارج باشد - ولو آنکه وافر و بیش از مقدار لازم نباشد، باز هم مالیت ندارد. مانند باران یا نسیم (مطهری، ۱۳۸۶، ص. ۵۳).

از مجموع تعاریف لغوی، اقتصادی، حقوقی و فقهی می‌توان گفت: «خود پول اگر چه وسیله‌ی نقل و انتقال و خرید و فروش اموال دیگر است، اما خود نیز در تعریف‌ها می‌گنجد و از مصادیق مال به‌شمار می‌رود». از آنجا که فقه اسلام برای مال احکام مختلفی به‌صورت امضایی یا تأسیسی در نظر گرفته است، پول هم در صورتی که از مصادیق مال محسوب گردد، موضوع احکام بسیاری از این جهت خواهد شد، که نتیجه‌ی آن، مشخص شدن احکام انواع به‌کارگیری پول توسط مردم، بنگاه‌ها و مؤسسات است.

۲-۱. ماهیت پول امروزی چیست؟

سؤال دیگری که مطرح می‌شود و در رسیدن به مبحث اجاره پول جواب آن ضروری است، اینکه آیا پول‌های امروزی اعتباری هستند یا حقیقی؟ آیا باید پول‌های امروزی را از جنس کاغذ یا فلز یا نوشته روی دفترچه بانکی یا چک یا الکترون موجود در سیستم کارت‌خوان و دستگاه ویژه یا ... دانست؟ عین پول در اینجا چیست؟ و حفظ عین پول به چه چیزی معنا پیدا می‌کند؟

مفاهیم اعتباری ساخته ذهن و مولود قراردادهای اجتماعی است و صرف‌نظر از آن، هیچ‌گونه وجود فیزیکی و خارجی ندارد. قوانین و مقررات، بایدها و نبایدها، مفهوم مالکیت و حقوق از همین قبیل می‌باشد (عبداللهی، ۱۳۷۷، ص. ۱۵).

در مورد پول‌های امروزی باید گفت اصل مالیت آن اعتبار می‌گردد (فعلاً به منشاء اعتبار آن کاری نداریم که آیا طلا است یا نقره یا معادن کشور یا کارخانه‌ها و مراکز تولید و صنعت هر کشور) نه اینکه ابتدا برای کاغذ پاره رنگی فایده‌ای اعتبار کنند. آنگاه از نحوه به‌کارگیری عرف، انتزاع مالیت شود بلکه برای آن کاغذ پاره رنگی یک ارزش مبادله‌ای عامی اعتبار می‌گردد تا به‌عنوان پول در مبادلات مورد استفاده قرار گیرد. حال هر شیء دیگر که خود کارایی کاغذ رنگی را انجام دهد اعتبار دیگری است فوق این اعتبار و در هر صورت مجموع و اقسام این پول‌ها اعتباری به‌شمار می‌روند و برای آن جنس خاص فیزیکی قابل تعریف نیست، بلکه باید اعتبار و ارزش آن یعنی امکان و قدرت و میزان خرید و فروش آن را مالیت و عینیت آن و اصل آن دانست.

پول امروزی (اسکناس و مسکوک) به لحاظ اینکه حکومت برای آن ارزشی را جعل و اعتبار کرده است مال می‌باشد. مرحوم آیت‌الله خوئی (ره) می‌نویسد: «تمامی پول‌های کاغذی از قبیل دینارهای عراقی یا لیره‌های انگلیسی یا دلارهای آمریکایی یا ریال‌های ایرانی و امثال این‌ها مالیت دارند. زیرا از طرف هر یک از دولت‌ها نسبت به پول‌های کاغذی خود، قیمتی معین شده که در تمام مملکت مورد قبول و رایج است و بدین جهت مالیت پیدا نموده و هر موقعی بخواهند، از اعتبار و مالیت ساقط می‌نمایند» (خوئی، ۱۳۶۷، ص. ۴۹۷). بنابراین اگر کسی با پرداخت پولی، کالایی را خرید و آن کالا ارزش پول قبلی را داراست می‌توان گفت او پول خود را از دست نداده است، زیرا

می‌تواند با فروش این کالا مساوی یا بیشتر از پول اعتباری قبلی را به دست آورد و آن قدرت خرید قبلی همچنان محفوظ است. اما ارزش و مالیت اسکناس از وجود فیزیکی و عینی آن سرچشمه نمی‌گیرد، زیرا به عنوان مثال اسکناس هزار تومانی، یک قطعه کاغذی است که فقط حاوی چند تصویر می‌باشد و اهمیتی ندارد. بلکه ارزش آن از اینجا سرچشمه می‌گیرد که تشکیلات پولی و حکومت و جامعه پذیرفته‌اند که اسکناس در مبادلات، واسطه و معیار ارزش باشد (عبداللهی، ۱۳۷۷، ص. ۲۹۱).

۳-۱. آیا پول مصداق مال مثلی است یا قیمی؟

مفهوم مثلی یا قیمی از نظر شرع بیان نشده و این اصطلاح از طرف فقیهان در ابوابی مثل ضمان مطرح و به کار گرفته شده است. بهترین و مفیدترین تعریف مثلی آن است که به کالایی گفته می‌شود که در بازار همانند آن وجود دارد و در مقابل کالای قیمی آن است که در بازار همانند آن نیست، لذا در صورت تلف و نابودی باید قیمت آن به پول رایج و یا کالای دیگر پرداخت و جبران گردد.

مثلی و قیمی به حسب زمان‌ها و مکان‌ها اختلاف پیدا می‌کند. به عنوان مثال پارچه و لباس‌ها در قرن‌های سابق از قیمی‌ها محسوب می‌شد، در حالی که در عصر حاضر از قبیل مثلی‌ها است، زیرا اکثر آنها به نحو واحدی بافته شده و غالباً در خارج، افرادشان مثل هم هستند (خویی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص. ۱۵۲).

امامی (۱۳۶۶) می‌نویسد: «مثلی عبارت از مالی است که اشتباه و نظایر آن نوعاً زیاد و شایع باشد. مانند حبوبات و نحو آن و قیمی مقابل آن است و معذک تشخیص این معنی با عرف است» (امامی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص. ۲۱).

امام خمینی (ره) (۱۳۷۸) می‌گوید: تعیین مثلی و قیمی برعهده عرف می‌باشد، و ظاهراً محصولات کارخانه‌ها در این عصر از قبیل مثلی‌ها یا در حکم آنهاست (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص. ۳۳۲).

وقتی افراد یک شیء در نظر عرف و عقلاً مثل هم هستند که آنها حاضر باشند، افراد آن را به جای هم قبول کنند و این امر در صورتی محقق می‌شود که خصوصیات افراد آن شیء به نحوی باشند که باعث تفاوت رغبت، مطلوبیت و در نتیجه تفاوت در

مالیت آنها نگردد. با این بیان در مورد پول می‌توان گفت چه آن را در کالا و مال مثلی بدانیم و چه قیمی بدانیم در هر دو صورت فایده‌ای و تفاوتی در مسئله اصلی ما ایجاد نمی‌کند و مطرح کردن این مسأله تنها به خاطر آن بود که برخی در مسائل اینگونه آن را مطرح کرده‌اند.

شهید صدر (۱۳۶۹) می‌نویسد: «پول‌های کاغذی اگرچه مال مثلی می‌باشند، ولی مثل آن، صرفاً همان ورق و قیمت ظاهری آن نمی‌باشد، بلکه هر آن چیزی که قیمت واقعی آن را مجسم و بیان کند، مثل پول محسوب می‌شود. بنابراین اگر بانک هنگام بازپرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران به مقدار حقیقی آنچه را دریافت کرده بود، پرداخت کند، مرتکب ربا نشده است» (صدر، ۱۳۶۹، ص. ۱۹). از کلام این شهید بزرگوار، دو مطلب برمی‌آید: اولاً: پول کالای مثلی است و ثانیاً: قدرت خرید پول نیز از اوصاف دخیل در مثلی بودن پول است. نظیر این بیان را آیت‌الله هاشمی دارند: «ارزش و مالیت این برگه‌ها درست به اندازه قدرت خرید آنهاست و نه چیز دیگر. بنابراین، ناگزیر، جایگزین همسان (مثل) پول دریافت شده یا از میان رفته، معادل خود آن پول در قدرت خرید، و مبادله از همان نوع پول است» (هاشمی، ۱۳۸۲، ص. ۷۳).

تنها نکته‌ای که بیان آن ضروری است بیان تفاوت میان کالاها و پول است. اگر ارزش مبادله‌ی کالاها ساقط گردد، ارزش مصرفی آنها باقی خواهد ماند. اما در پول فعلی، با سقوط ارزش مبادله‌ای آن هیچ‌گونه ارزش مصرفی و فایده باقی نمی‌ماند. بنابراین ارزش مبادله‌ای اعتباری در پول‌های فعلی، مقوم ماهیت و بقای پول است و پول‌های فعلی در پرتو آن، مالیت پیدا می‌کنند. ولی در سایر کالاها، هم ارزش مصرفی و هم ارزش مبادله‌ای، یکی به‌عنوان شرط لازم و دیگری به‌عنوان شرط کافی کالا بودن آنها است. پول‌های فعلی مثل سایر کالاها برای عرف و عقلاء مطلوبیت دارند. اما نوع مطلوبیت آنها در نظر عقلاء فرق دارد. مطلوبیت کالاها، مطلوبیت استقلالی و هدفی است. یعنی کالا را تقاضا می‌کنند برای خودش - بخورند، بپوشند، سوار شوند و... - ولی مطلوبیت پول، استقلالی و ذاتی نیست. بلکه عارضی و طریقی است. نظر به مالیت، ارزش مبادله، قدرت خرید آن، نظر آلی، طریقی و بالعرض می‌باشد، یعنی پول تقاضا می‌کند تا به‌وسیله آن از خوردنی‌ها، پوشیدنی‌ها و... برخوردار شود. بنابر گفتار شهید

مطهری: «ارزش پول در سلسله معلولات مبادله است. برخلاف ارزش کالاها در سلسله علل مبادلات است» (مطهری، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۵).

از مجموع مطالبی که در این بحث بیان گردید، این امر به وضوح آشکار می‌گردد که در بسیاری از روابط اقتصادی و مبادلات پولی، ارزش مبادله‌ای آن، مورد نظر می‌باشد، نه صرفاً ماده و اعداد و ارقام آن.

۲. عقد اجاره

۲-۱. بیان ماهیت عقد اجاره

جهت بیان ماهیت عقد اجاره به تعریف فقها از این عقد می‌پردازیم که طبعاً در آن لحاظ تعریف لغوی و اصطلاحی هم شده است. زیرا فقها در مقام فهم و درک معنی حقیقی این عقد نزد شارع هستند و لازمه چنین چیزی این است که پیش از آن حتماً معنی اجمالی اجاره نزد عرف را فهم کرده باشند. در حقیقت فقهاء به دنبال تفصیل اجمال هستند. بنابراین طبق مثل معروف «چون که صد آید نود هم پیش ماست» بحث عرفی را ممزوج در تعریف فقها می‌دانیم و مستقیماً به سراغ نظرات فقهاء امامیه می‌رویم.

- صاحب عروه (ره) در تعریف اجاره می‌نویسد: «وهی تملیک عمل او منفعه بعوض». (یزدی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص. ۵۷۴). این تعریف تملیک عمل و منفعت را در ازای چیزی دیگر مناط اصلی عقد اجاره می‌داند. البته تملیک منفعت مطلب واضحی است ولی عبارت تملیک عمل کمی مبهم است. زیرا وقتی در اکثر متون فقهی تورق می‌کنیم، تملیک را در مورد عین و منفعت می‌بینیم و از عبارت تملیک عمل خبری نیست.

- شهید ثانی در کتاب وزین «شرح لمعه» در تعریف عقد اجاره می‌نویسد: «وهی العقد علی تملیک المنفعه المعلومه بعوض معلوم» (العاملی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص. ۲۵۷).

این تعریف هم تملیک منفعت در برابر تملیک عوض را مورد تأکید قرار داده و آن را مناط اصلی عقد اجاره می‌داند، لکن قید معلومه و معلوم پس از منفعت و عوض، مصادیق غیر معلوم بودن عوضین را از ذیل این تعریف خارج کرده که با توجه به بحث

شرایط عوضین در عقد اجاره که گفته خواهد آمد، به نظر می‌رسد این تعریف واضح‌ترین تعریف، جامع مصادیق و مانع اغیار است.

- امام خمینی (ره) تعریفی در تحریرالوسیله بیان می‌کند: «فان حقیقه الاجاره جعل المالك غیره مقام نفسه فی المنافع بحیث توجد ملكا للمستأجر» (موسوی‌خمینی، ۱۳۸۱، ص. ۱۲).

۲-۲. ارکان و شرایط عقد اجاره

به‌طور خلاصه می‌توان گفت ارکان عقد اجاره عبارتند از موجر، مستأجر و عین مستأجره. در اجاره اعیان و اشیاء و موجر، مستأجر و اجیر در اجاره نفس (انفس)، ایجاب و قبول ارکان عقد اجاره هستند و لزوم رعایت شرایط متعاقدین مثل بلوغ و عقل و اختیار و عدم حجر و شرایط عوضین مثل مملوکیت عوضین، دارای منفعت حلال بودن و... اجمالی از شرایط این عقد را تشکیل می‌دهند. همچنین در این عقد شرط است که در راستای استفاده از منافع عین، اصل عین نابود نشود. از آنجا که رسالت مقاله شرح و توضیح این مطالب نیست به‌همین مقدار بسنده و تنها مقداری راجع به دو شرط آخری بحث می‌کنیم.

صاحب عروه در این باره می‌گوید: «أن تكون العين المستأجرة مما يمكن الانتفاع بها مع بقائها، فلا تصح اجاره الخبز للاكل مثلا و لا الحطب للاشعال و هكذا» (یزدی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص. ۵۷۶).

این شرط است که در اجاره با استفاده از عین، اصل عین از دست نرود. پس صحیح نیست اجاره دادن نان برای خوردن و یا هیزم برای سوزاندن و همین‌طور موارد. عبارات فقهاء در این مسأله واضح و روشن هستند. عین، مستأجره نباید با انتفاع از آن از بین برود و یا دچار نقص شود. بنابراین اجاره دادن میوه و سبزیجات و مانند آن باطل است. زیرا انتفاع از آنها با تناول آنها محقق می‌شود و تناول آنها هم باعث از بین رفتن آنها می‌گردد. البته اگر نوع انتفاعی که مستأجر، عین مستأجره را به آن دلیل اجاره کرده به‌نحوی باشد که به عین آسیبی نزند و باعث نقصان آن نشود، اجاره آن ایرادی ندارد. برای مثال میوه را برای گذاشتن در ویترین برای مدتی خاص اجاره کند.

حرام نبودن منفعتی که به مستأجر می‌رسد از شروط اصلی عقد اجاره است. هرچند فقها، در فروع آن بحث‌های جدی را مطرح کرده‌اند که به دلیل مرتبط نبودن به موضوع مقاله از ارائه آنها خودداری می‌کنیم (یزدی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص. ۵۷۶؛ خویی، ۱۳۸۳، ص. ۴۳).

به طور کلی می‌توان این را به صورت یک ضابطه کلی دانست که در تمام عقود به طور مطلق (خواه عقد لازم و یا جایز) هیچ کدام از متعاقدین نباید هدف نامشروع از آن عقد داشته باشند.

از فحوای آراء فقهاء در ابواب مختلف فقهی مانند کتاب متاجر، بیع، اجاره، عاریه، مضاربه و... این ضابطه به طور واضحی قابل برداشت است و در این مجال به تفصیل بیشتر نیاز ندارد.

۳. بررسی مشروعیت اجاره پول

این بخش از مقاله، قسمت اصلی آن را تشکیل می‌دهد و مواردی که تا به حال بیان شد مقدمه بودند برای این ذی‌المقدمه.

اجاره پول از جمله مسائلی است که متأسفانه تاکنون هیچ بررسی فقهی در میان اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم دینی و اقتصادی و حقوقی در مورد آن صورت نگرفته است. نگارنده تا لحظه نگارش این مقاله به کمتر بحث فقهی در مورد این مطلب برخورد کرده است. البته در مورد دیگر احکام مربوط به پول مانند خرید و فروش پول، زکات پول، مضاربه پول، وقف پول و... بحث‌های متعددی در میان اندیشمندان این حوزه صورت گرفته که نتایج مطلوبی هم داشته است.

۳-۱. نقد و بررسی دلایل احتمالی «عدم صحت اجاره پول»

عقد اجاره به خودی خود از عقود مشروع و امضاء شده توسط شرع مقدس است. بنابراین اگر دلیلی شرعی بر عدم صحت اجاره پول نباشد، معنایش این است که اجاره پول صحیح است. پس برای رسیدن به حکم شرعی اجاره پول کافی است دلایل احتمالی عدم صحت آن را بررسی کنیم. اگر آن دلایل را نافذ یافتیم حکم به عدم صحت اجاره پول دهیم و اگر آن دلایل را غیرنافذ یافتیم حکم به صحت اجاره پول دهیم.

اکنون اگر بخواهیم دلایل احتمالی عدم صحت اجاره پول را بیان کنیم، تنها به دو دلیل عمده برمی‌خوریم:

۱. ربوی بودن اجاره پول؛
۲. عدم بقاء عین (پول) با انتفاع از آن، با توجه به اینکه این مهم از ارکان اصلی عقد اجاره است.

در ادامه هر کدام از این دو دلیل را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا به نتیجه مطلوب دست یابیم.

۳-۱-۱. بررسی احتمال ربوی بودن اجاره پول

حرمت ربا به ادله اربعه مسلم است. فقیهانی همانند صاحب‌جواهر (۱۳۸۸) و امام خمینی (ره) (۱۳۸۱) افزون بر ادعای اجماع بر حرمت ربا، بعید ندانستند که حرمت ربا از ضروریات دین باشد.

طبق نظر مشهور تحقق ربای قرضی به این است که در قرض به نفع قرض‌دهنده شرط زیاده بر مقدار قرض شود، خواه هنگام قرض دادن به آن تصریح گردد یا قرض بر آن بنا نهاده شود. در تحقق ربای قرضی فرق نمی‌کند مال قرض داده شده پیمانه‌ای باشد یا وزنی یا غیر آن (نجفی، ۱۳۸۸، ج ۲۵، صص. ۵-۷).

در اینکه با شرط زیاده، قرض ربوی باطل می‌شود یا تنها مقدار زیادی که شرط شده، اختلاف است. قول اول مشهور می‌باشد (یزدی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص. ۱۲).

یکی از مسائلی که در بحث ربا در میان اندیشمندان اسلامی مطرح است. مسأله حیل‌های فرار از ربا است که موافقان و مخالفانی دارد. اکنون که به‌طور مختصر مفهوم ربا را بیان کردیم لازم است به بحث حیل‌های فرار از ربا پردازیم و پس از بیان نظر مختار در این زمینه به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های «قرض» با «اجاره» پرداخته و ببینیم آیا می‌توان اجاره پول را به‌عنوان یکی از حیل‌های فرار از ربا برشمرد؟

درباره حیل‌های ربا فقهاء ما چند دسته شده‌اند که در ادامه اشاره می‌شود. بعضی فقهاء معتقدند که به‌کارگیری این حیل صحیح است؛ چنان‌که صاحب‌جواهر بعد از بحث درباره یکی از حیل‌های ربا می‌گوید: به‌سمت حیل رفتن در مقام خلاص شدن از

ربا از جهت نص و فتوا امر مشروعی است. چون این حيله، فرار از باطل به سوی حق است (نجفی، ۱۳۸۸، ج ۲۳، ص. ۳۹۶). در مقابل سیدمرتضی، محقق بهبهانی و محقق اردبیلی حيله‌های ربا را مطلقاً باطل می‌دانند.

محقق اردبیلی می‌گوید: «سزاوار است تا حدی که امکان دارد از حيله‌های ربا اجتناب گردد. اگر شخص ناگزیر شد، به اندازه رفع اضطرار، از این حيله‌ها استفاده کند و نگاه نکند که ظاهراً در روایات حکم به جواز شده است. زیرا حيله‌های ربا با علت تحریم ربا منافات دارد» (اردبیلی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص. ۴۸۸) وی در بحث علت تحریم ربا، بعد از بیان روایات مربوط به علت تحریم، می‌نویسد: «این امر دلالت می‌کند، بیشتر حيله‌هایی که در اسقاط ربا به کار می‌روند، جایز نیست» (اردبیلی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص. ۴۵۳).

سؤال: ما در اینجا قصد ورود به ادله موافقان و مخالفان حیل شرعی در مبحث ربا نداریم و تنها می‌پرسیم بر فرض که ادله مخالفان حیل شرعی ربا را بپذیریم، آیا اجاره پول مصداقی از حیل ربا خواهد بود؟ جواب: پاسخ ما به این سؤال منفی است. خارج از آنکه به طور مطلق ادله مخالفان حیل شرعی را نمی‌پذیریم و در آن خدشه‌های جدی داریم، می‌گوییم: اجاره یک عقد شرعی است و برای خود کارکرد استقلالی و احکام ویژه دارد و ربا و قرض مطلبی مستقل و دارای ماهیت مستقل و احکام ویژه. حال اگر کسی بر فرض برای رسیدن به قرض ربوی بخواهد از راه اجاره پول استفاده کند اولاً وقتی سخن از اجاره پول می‌شود همه قصد بالا را ندارند. ثانیاً بر فرض داشته باشد مثل آن است که کسی بگوید: «می‌خواستم زنا کنم رفتم با همان فرد عقد نکاح جاری نمودم». مسلم است که عقد نکاح خود یک عقد مستقل و دارای شرایط و ضوابط خاص خود است و حتی برای کسی که قصد تمتع جنسی از راه زنا داشته، اگر از این طریق یعنی نکاح شرعی به خواسته خود برسد، او از حرام فرار کرده و به حلال روی آورده و چه کار خوبی کرده است. ثالثاً باید توجه داشت کسی که پول خود را به عنوان موجر در اختیار فرد دیگر (مستأجر) قرار می‌دهد تا از منافع کارکردی آن پول بهره‌مند شود، در صورت تلف یا نقص پول، اموال خودش تلف شده و این ریسک و خطر عظیم بر گردن خود او (موجر) خواهد بود و این با بحث قرض و ربا که همه ضمانات و خسارات بر گرده و گردن قرض گیرنده است، تفاوت کامل دارد.

به عبارتی در اجاره، عین مال در اختیار مستأجر امانت است و در صورتی که افراط و تفریط نکند و مال تلف جزئی یا کلی شود، مستأجر ضامن نیست. اما در قرض و ربا مستقرض مالک مال قرضی می‌شود و هرچه تلف شود از کیسه او رفته است. همین یک نکته برای افتراق و جدایی و تفاوت اجاره پول و قرض و ربا کافی است. وانگهی نه قرض و ربا اختصاص به پول دارد که کالا هم می‌تواند مورد قرض و ربا قرار گیرد و نه اجاره اختصاص به کالای غیرپول. پس همان‌طور که می‌توان یک ماشین را اجاره داد می‌توان آن را قرض کرد و ربا گرفت. اجاره ماشین و أخذ اجرت صحیح و جایز و قرض آن و أخذ ربا ناصحیح و حرام است. همین‌طور مسأله در مورد پول.

۳-۱-۲. بررسی مفاسد معرفی شده در قرض و مقایسه آن با اجاره پول

در روایتی از امام رضا(ع) آمده علت حرمت ربا آن است که در آن فساد اموال وجود دارد و چون انسان یک درهم بفروشد به دو درهم یا یک درهم قرض دهد به دو درهم آن یک درهم اضافی باطل و حرام است. و لذا خداوند در قرآن آن را باطل و از آن نهی فرموده است.

آن‌طور که گذشت در اجاره پول این نوع مفسده منتفی است. زیرا اضافه‌ای که موجر دریافت می‌کند در مقابل منفعتی است که به ملکیت مستأجر درمی‌آورد در حالی که عین همچنان در ملکیت خود اوست. برخلاف قرض که عین ملکیت قرض گیرنده درمی‌آید.

دلیل دیگری که امام(ع) در ادامه روایت برای تحریم ربا به آن اشاره می‌فرمایند، وجود ظلم در ربا است. از آنجایی که امام(ع) به‌طور کلی به ظلم اشاره کرده‌اند و مصداق آن را معین نفرموده‌اند نمی‌توان به‌طور دقیق در مورد وجود ظلم موردنظر روایت در اجاره پول نظر داد. لکن با توجه به محتوای روایت می‌توان احتمال داد که همان فساد اموال و دریافت مال در ازای هیچی (اکل بالباطل) موردنظر حضرت باشد که توضیحش گذشت (عاملی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص. ۴۲۲).

از شهید مطهری برای علت حرمت ربا مواردی نقل شده است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۱. قطع رابطه ثروت و کار کسی که منافع از پول می‌گیرد. ثروتی در اختیار می‌گیرد که برای آن کاری نکرده است (ابراهیمی، ۱۳۷۲، ص. ۱۶۰).
این دلیل هم در مورد اجاره پول وجود ندارد. زیرا اگر بخواهیم تحصیل مال بدون کار کردن را به صورت مطلق مفسده‌انگیز بدانیم، اجاره باید از اساس باطل باشد.
۲. ربا سبب می‌شود که صاحب پول کار نکند و قوای انسانی او معطل بماند و از این نظر رکود اقتصادی پیدا شود (ابراهیمی، ۱۳۷۲، ص. ۱۶۰).
این دلیل هم در مورد اجاره پول دقیقاً مانند علت قبلی نفی می‌شود. اگر قرار باشد مفسده ربا صرفاً این باشد که فرد بدون کار پولی تحصیل می‌کند و در نتیجه قوای جسمانی او تحلیل می‌رود. عقد اجاره مطلقاً به خاطر وجود چنین مفسده‌ای باید باطل می‌بود.
۳. ربا سبب می‌شود که طبقه مولد از بین برود، چون ربا اجتماع را به دو طبقه مولد و غیرمولد تقسیم می‌کند. یعنی یک طبقه باید آنچه تولید می‌کند به رباخوار بدهد که طبقه غیرمولد است و در نتیجه همیشه یک طبقه ضعیف و یک طبقه قوی باقی می‌ماند (ابراهیمی، ۱۳۷۲، ص. ۱۶۱).
این دلیل هم دقیقاً به مناط همان دلایل قبلی قابل قبول نیست. زیرا اگر دلیل ایشان پذیرفته شود مطلق عقد اجاره باید منتفی گردد و به همین استدلال می‌توان گفت اجاره، جامعه را به دو طبقه اجاره‌دهنده و اجاره‌گیرنده تبدیل می‌کند.

۲-۳. مقایسه‌ای مختصر بین اجاره پول و مضاربه پول

بحث مقایسه اجاره پول و مضاربه پول (که مشروع است و اصل آن مورد پذیرش فقهاء است) در این مقاله از آن جهت اهمیت دارد که قصد داریم با مقایسه ماهیت مضاربه پول و اجاره پول بفهمیم آیا مفاسد حاصل از ربا که ممکن است عده‌ای ادعا کنند در اجاره پول نیز وجود دارد و از این جهت غرض شارع از حرمت ربا با اجاره پول رفع نشده و در نتیجه اجاره پول نمی‌تواند حيله ربا قلمداد شود، در مضاربه پول که مورد

امضای فقها است، رفع شده است؟ اگر ماهیت این دو در عمل به گونه‌ای متفاوت باشد که اغراض شارع از حرمت ربا در مضاربه پول رفع و در اجاره پول وجود داشته باشد، در آن صورت نخواهیم توانست مضاربه پول را به عنوان حجتی بر رد ادعای ربوی بودن اجاره پول بیان کنیم. اما در غیراین صورت مضاربه پول می‌تواند به عنوان دلیلی بر رد ادعای آن دسته از افرادی باشد که معتقدند اجاره پول مفسده‌های حاصل از قرض ربوی را رفع نکرده است.

در هر دو عقد، اتفاقی که در عالم واقع رخ می‌دهد این است که طرفی که پول مالک را تحت تصرف گرفته (در اجاره مستأجر و در مضاربه عامل) متعهد است نهایتاً به غیر از اینکه اصل پول را به مالک برگرداند، اضافه‌ای را هم به او پرداخت کند. در اجاره مقدار این اضافه به طور معلوم، قبلاً باید در عقد اجاره معین شده باشد. در عقد مضاربه میزان دقیق این اضافه مشخص نیست، بلکه با توجه به درصدی که طرفین عقد در زمان انعقاد آن برای مشارکت در سود حاصل از تجارت با هم شرط کرده‌اند و با توجه به میزان سود و یا ضرری که در تجارت عامل با آن پول عاید می‌شود، این میزان ممکن است زیاد، کم و یا حتی صفر باشد. اگر عامل در تجارت ضرر کند، پول از جیب مالک رفته است. مالک در این مورد نه تنها اضافه‌ای دریافت نمی‌کند، بلکه طبق نظر برخی فقها حتی سرمایه اولیه‌ای که در اختیار عامل گذاشته بود نیز دچار نقصان شده است.

اکنون با توجه به توضیحات داده شده و شباهت بیان شده بین مضاربه پول و اجاره پول، آیا نمی‌توان مشروعیت مضاربه پول را دلیلی بر رد نظر کسانی دانست که معتقدند اجاره پول غرض شارع از تحریم ربا را رفع نکرده است؟

۳-۳. بررسی شرط بقاء عین با انتفاع از آن در اجاره پول

دومین شبهه عمده‌ای که در بحث اجاره پول وجود دارد، عدم بقاء عین (پول) با انتفاع از آن است.

بیان چستی «عین» در پول: آن‌طور که در فصل بررسی ماهیت پول به طور مفصل گذشت نتیجه مطلوبی که نهایتاً در مورد ماهیت پول (چستی عین) به آن دست یافتیم،

نه اسکناس‌ها و نه طلا و نقره بلکه «قدرت مبادله» پول بود. بنابراین برای بررسی صحت اجاره پول لازم است بررسی شود که آیا با انتفاع از پول «قدرت مبادله» که در پول آن را «عین» می‌دانیم باقی می‌ماند و یا خیر؟

مطلب ظریفی که لازم است یادآوری شود آن که تفکیک بین «عین» و بین «منفعت» پول، نکته‌ای کلیدی برای فهم هرچه دقیق‌تر این بحث است. برای یادآوری این نکته را بیان می‌کنیم که عین در پول «قدرت مبادله» و انتفاع اصلی از پول خود «مبادله» و «ذخیره ارزش» است. بسیار مهم است که در تمام طول بحث تفکیک بیان شده را مدنظر داشته باشیم تا به اشتباه دچار نشویم. برای روشن شدن مسأله مثال‌ها و مواردی را برای اجاره پول معرفی می‌کنیم.

۳-۱-۱. اجاره پول برای نمایش دادن

ممکن است به‌طور نادر، شخصی مقصودی به‌غیر از منفعت اصلی پول را در انتفاع از آن قصد کند. مثلاً پول را برای نگه داشتن و فخرفروشی یا نمایش به دیگران بخواهد. او نه به‌وسیله آن پول، مبادله می‌کند و نه آن را برای ذخیره ارزش می‌خواهد، بلکه صرفاً آن را برای مقصودی که در ادبیات عامیانه آن را پُز دادن می‌نامند و یا نمایش دادن می‌خواهد.

در این مثال استفاده از پول شاذ و نادرست، هرچند شرط بقاء عین حتی در دید غیردقیق لحاظ شده است.

۳-۲-۱. اجاره پول جهت ذخیره ارزش

برای تقریب ذهن مثالی برای این نوع از انتفاع می‌آوریم:

فردی نیازمند یک وام بانکی است. برای اینکه وام او صادر شود لازم است مقدار خاصی از پول را به حساب بانکی خاصی که بانک وام‌دهنده مشخص کرده است واریز نماید. این فرد، پول مذکور را اجاره می‌کند و آن را به حساب بانکی موردنظر واریز می‌کند. با قرار گرفتن پول مذکور در حساب بانکی موردنظر وامی که مستأجر پول نیازمند آن بود صادر می‌شود.

در مثال بالا، پول برای انتفاع از جهت ذخیره ارزش اجاره شده است. این صرفاً در حسابی بانکی قرار گرفته است تا به خاطر ارزش آن، وام فرد اجاره‌گیرنده صادر شود. در این نوع از انتفاع هم به مانند مورد گذشته می‌توان گفت شرط بقاء عین (قدرت مبادله) با وجود انتفاع از پول (ذخیره ارزش) حفظ شده است. زیرا پول موردنظر با وجود اینکه به حساب مذکور واریز شده است، همچنان در تملیک موجر قرار دارد. اما می‌پرسیم آیا واقعاً عین پول حفظ شده یا بانک از این عین (به معنای عامیانه‌اش) استفاده کرده اما عین آن به دقت عملی (یعنی قدرت مبادله‌اش) باقی مانده است؟

۳-۳-۳. اجاره پول جهت مبادله

سومین نوع انتفاع از پول که رایج‌ترین آن است و البته از نوع دوم (قبلی) نیز فاصله چندانی ندارد، استفاده از پول جهت مبادله است (استفاده خانه سکنی گزیدن، استفاده ماشین سوار شدن و استفاده پول قدرت خرید و فروش پیدا کردن است).

در بحث‌های گذشته گفته شد عین مستأجره تحت ید مستأجر به‌عنوان امانت باقی می‌ماند جهت استفاده از منافع آن و ملکیت آن برای موجر است. در اجاره پول ید امانی به چه صورت است؟ آیا مستأجر حتماً باید همان اسکناس‌هایی را که به‌عنوان عین مستأجره به او اجاره داده شده است، پس از پایان مهلت اجاره به موجر بازگرداند؟ پول پدیده‌ای مستحدثه و جدید است و ماهیت عین در آن با عین در سایر کالاها تفاوت دارد. ماهیت حقیقی پول به هیچ‌وجه این اسکناس‌ها و یا الکترون‌ها (در پول‌های الکترونیکی) نیست. بلکه «قدرت مبادله» است. عرف و عقلاء هم کاملاً این حقیقت را پذیرفته‌اند و بین پول اسکناس و پول در کارت‌های بانکی و پول در حساب‌های بانکی هیچ تفاوتی قائل نیستند. در مضاربه پول هم، عامل نهایتاً باید به میزان ارزشی را که مالک پول به او داده بود، به مالک بازگرداند و نه همان دقیقاً همان اسکناس‌ها را. بنابراین از مجموع بحث‌های گذشته می‌توان نتیجه گرفت در اجاره پول آنچه موجر به مستأجر اجاره می‌دهد قدرت مبادله است و نه اسکناس و... بنابراین طبق ضوابط عقد اجاره باید گفت آنچه به‌عنوان عین مستأجره در ملکیت اجاره‌دهنده و تحت ید مستأجر باقی می‌ماند، قدرت مبادله است. و اگر چه این مطلب یک شیء

فیزیکی مثل ساختمان یا ماشین نیست که قابل اشاره حسی باشد اما قابل اشاره عقلی که هست قابل اشاره حسی هم می‌شود. زمانی که کالا یا هر چیزی که توسط پول اجاره‌ای تهیه شده به پول تبدیل شود و چه بسا اگر قدری با مسامحه بپذیریم، خود آن کالا هم همان پول است زیرا قدرت مبادله را در خود دارد.

همانطور که اسکانس و پول فلزی و الکترون‌ها و رقم نوشته شده بر روی چک مرکبی برای ارزش و قدرت مبادله است، این کالا هم که ذاتاً ارزش استفاده کردن دارد، خود مرکبی است برای آن عینیت. در اینجا اگرچه ممکن است اشکال‌ها و ایرادهایی به ذهن خلیجان کند اما همه آنها قابل پاسخ است و جهت عدم تطویل مقاله از طرح آنها خودداری می‌کنیم.

نتیجه: پس از اینکه با شناخت دقیق ماهیت پول و پس از آنکه معلوم شد «عین» در پول «قدرت مبادله» است و پس از بررسی ماهیت عقد اجاره به بررسی فقهی اجاره پول پرداختیم. دو دلیل احتمالی برای عدم صحت اجاره پول مطرح بود:

۱. احتمال ربوی بودن اجاره پول.
۲. احتمال عدم بقاء عین با انتفاع از پول.

پس از بررسی احتمالات مختلف وجود هیچ‌کدام از دو دلیل بالا در اجاره احراز نشد. بنابراین از آنجایی که دلیلی بر رد اجاره پول نیافتیم. نتیجه نهایی تحقیق صحت اجاره پول است.

یادداشت‌ها

1. Marshal

کتابنامه

- ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۲). *ریا و قرض در اسلام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
اردبیلی، احمد (۱۳۸۶). *مجمع الفوائد و البرهان*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۱). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۶۷). *توضیح المسائل*. قم: تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.

- خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۱). مصباح الفقاهه. قم: انصاریان.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۳). مستند العروه الوثقی. قم: لطفی.
- ساموئلسن، پل (۱۳۸۱). اقتصاد (حسین پیرنیا، مترجم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- صالحی مازندرانی، سیدموسی (۱۳۸۱). العقد المنیر. قم: کتابخانه دیجیتال مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.
- صدر، محمدباقر (۱۳۶۹). الاسلام یقود الحیاه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۴ق). مجمع البحرین. تهران: بعثت.
- العاملی، شیخ حر (۱۳۷۹). وسائل الشیعه. بیروت: دارالتفسیر.
- العاملی، زین الدین (۱۳۸۷). الروضه البهیئه فی شرح اللمعه الدمشقیه. بیروت: دارالتفسیر.
- عبداللهی، محمود (۱۳۷۷). مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- عدل، مصطفی (۱۳۷۰). حقوق مدنی. قم: طه.
- قدیری اصلی، باقر (۱۳۷۱). کلیات علم اقتصاد. تهران: فروردین.
- قدیری اصلی، باقر (۱۳۷۹). پول و نظریه های پولی. تهران: سپهر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). ربا - بانک. تهران: صدرا.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۸۸). جواهر الکلام. قم: دارالتفسیر.
- یزدی، محمدکاظم (۱۳۷۰). العروه الوثقی. قم: مکتبه الداوری.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۷۷). ماهیت فقهی پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۹). خرید و فروش اسکناس. تهران: پژوهشگاه فرهنگی و اندیشه اسلامی.

- Abdollahi, M. (1377). The Jurisprudence Basics of Islamic Economics, Eslami Institute.
- Adl, Mostafa, Civic Rights, (1370). Qom, Taha
- Ameli, Z, A. (1387). Alrozah albahiah fi Sharh Allomah Aldameshghiah, Dar Altafsir Institute,
- Ardebili, A. (1386). Majma Alfaedate va Alborhan, Jame Modarresin Hoze Elmiah Qom, Qom.
- Ebrahimi, M, H. (1372). Usery and Borrowing in Islam, Daftar Tablighat Eslami Hoze Elmieh Qom.

- GHadiri Asli, B. (1371). General Economics, Farvardin Institute.
- GHadiri Asli, B (1379). Money and Monetary Theory, Sepehr Tehran Institute.
- Khoie, S, A. (1381). Mesbah Alfeghahah, Ansarian Qom Institute.
- Khoie, S, A. (1383). Mostanad Alorvah Alvogha, Lotfi Qom Institute.
- Khoie, S, A. (1367). Tozih Almasael, Digital Library of Ahlul Bayt Research and Publishing Institute.
- Khomaini, S, R. (1381). Tahrir Alvasilah, Institute for Publishing and Save the Imam Khomeini's Works.
- Motahhari, M. (1386). The Basics of Islamic Economics, Sadra Institute.
- Motahhari, M. (1389). Usery, Bank, Sadra Institute.
- Najafi, M, H. (1388). Javaher Alkalam, Dar Altafsir Institute.
- Sadr, M, B. (1396). Aleslam Yaghod alhayah. Ministry of Islamic Ershad, 6.
- Salehi Mazandarani, S, M (1381). Alaghd Almoner, Digital Library of Ahlul Bayt Research and Publishing Institute.
- Samuelson, P (1381). Economic, Translation by Hossein Pirnia, Ketab Institute.
- Sheikh, H A. (1389). Vasael Alshiah, Dar Altafsir Institute.
- Toreihi, F, A. (1414). Majma Albahrein, Besat Institute, Tehran.
- Yazdi, M, K (1370). Alorvah Alvogha, Aldavari Institute, Qom.
- Yousofi, A, A. (1389). Buy and Sell Banknotes, Farhang va Andishe Eslami Institute, Tehran.
- Yousofi, A, A. (1377). The Jurisprudential Nature of Money and its Jurisprudential and Economic Strategies, Farhang va Andishe Eslami Institute, Tehran.